

مادر مسایل روستایی: بهبود زندگی با دانش و مشارکت مردم

اسفندیار عباسی

به مناسبت رونمایی از اسناد توسعه روستایی ۲۹ روستای منتخب استان خراسان رضوی

۷ تیرماه ۱۳۹۳، استانداری خراسان رضوی، مشهد مقدس

مقدمه

پس از ماه ها ملاقات و گفتگوی انفرادی و جمعی بین دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی ۲۹ روستای استان خراسان رضوی از یک سو و مسئولان دفتر امور روستایی استانداری و اتحادیه تعاونی های دهیاری های خراسان رضوی از سوی دیگر، حاصل کار برنامه ریزی مشارکتی بین این دو گروه برای بهبود زندگی (توسعه) روستایی در این روستاها به طور جداگانه تدوین و در تاریخ ۷ تیرماه ۱۳۹۳ رونمایی شد. این برنامه را می توان واقعه ای تاریخی برشمرد چرا که برای اولین بار در کشور ما پس از اصلاحات ارضی، روستاییان به عنوان افرادی صاحب اندیشه و نظر در اداره امور محلی خود قلمداد شده اند و صرفا دریافت کننده برنامه های از بالا به پایین نیستند. اگر چه بر اساس قانون اصلاحات ارضی، نظام ارباب رعیتی از میان رفت، اما در عمل دولت به عنوان ارباب جدید کار برنامه ریزی و مدیریت امور در روستا را به دست گرفت. این پدیده، که تنها منحصر به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای جهان با عنوان «انقلاب سبز» رخ داد، به آسیب های فراوانی منجر شده است که نتیجه ترکیبی آنها مهاجرت شدید ساکنین روستاها به شهرها و کاهش فاحش توان تولیدی و افزایش آسیب پذیری این جوامع کهن بوده است. برای تحقق نقش آفرینی بیشتر مردم در راستای رسیدن به اهداف سیاست های اقتصاد مقاومتی، می باید از برنامه ریزی بالا به پایین فاصله گرفت و تصمیم گیری مردم در امور مرتبط به سکونتگاه ها و منابع طبیعی موجود در این محیط ها محور برنامه ریزی و سیاستگذاری های کلان ملی قرار گیرد. یقیناً، در این راستا، استان خراسان رضوی گامی ارزنده و چشمگیر برداشته است.

سخنرانی زیر، در دو بخش، به عنوان بخش آموزشی این برنامه ارائه گردید. متن زیر، علاوه بر بخش اول، بازخورد و بیانات مخاطبین در بخش دوم را نیز شامل می شود.

بهبود زندگی با دانش و مشارکت مردم

ویژه دهیاران و اعضای شوراهای اسلامی
روستاهای منتخب استان خراسان رضوی

۷ تیرماه ۱۳۹۳

مشهد مقدس

بخش ۱: اسفندیار عباسی

مبایث اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»

www.eabbassi.ir

esfandiarabbassi@gmail.com

1

بسم الله الرحمن الرحيم. و با سلام به همه عزیزان حاضر در جلسه. برای بنده مشکل است که هیجان و شوق خودم را در چنین گردهمایی با این دستاوردهای تاریخی پنهان کنم. پس از دهه های متمادی برنامه ریزی بالا به پایین برای اداره امور در روستاها در کشور ما، امروز شاهدیم که برای اولین بار در خراسان، سرزمین خورشید، این خطه مقدس، مسئولان و مردم با هم برنامه ریزی کرده اند و قطعا نتیجه این کار نقش آفرینی بیشتر مردم در اقتصاد و دیگر عرصه های جامعه خواهد بود.

نکته کلیدی در این فعالیت ها این است که کلید واژه هایی که ما این روزها در رسانه ها زیاد می شنویم، مثل «اصلاح الگوی مصرف»، «اقتصاد مقاومتی»، «تبیین الگوی بومی پیشرفت» که برای کشور ما الگویی اسلامی ایرانی است، اینها جملگی از دغدغه های جهانی است و به کشور ما منحصر نیست. اما آنچه در دیگر جاهای دنیا دیده می شود این است که مردم مجبورند که دولتمردان خود را متقاعد کنند که در زمینه برنامه ریزی و سیاستگذاری و قانونگذاری خود را با مردم سازگار کنند، در صورتی که در کشور ما، همانطور که اتفاق امروز گواهی می دهد، مردم و دولت با هم این حرکت ها را حمایت می کنند و این از برکات انقلاب اسلامی است. انشاءالله ما در سال های آتی بتوانیم درس ها و تجاربی برای بهره گیری

جهانیان در این زمینه ها داشته باشیم، کما اینکه حرکت های مردمی در این ارتباط در کشورهای دیگر هم درس هایی برای ما ایرانیان دارد.

خدمات اطلاع رسانی اسفندیار عباسی

086 4325 5251 esfandiarabbassi@gmail.com

معرفی

www.eabbassi.ir

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»

2

در واقع در کلام امروز سعی دارم که گوشه هایی از این تجارب را برای شما عزیزان ارائه دهم. در ابتدا لازم است که خود را معرفی کنم. امیدوارم که این معرفی همچنین بستر ذهنی مناسب برای نکاتی که بعدا مطرح خواهم کرد را فراهم کند: پیش از انقلاب اسلامی، بسیاری از خانواده ها اینطور فکر می کردند که برای تحصیلات بروز و پیشرفته، جوانان باید رهسپار دانشگاه های خارجی شوند. من نیز مانند بسیاری از جوانان هم نسل خودم برای ادامه تحصیل بعد از دبیرستان به خارج از کشور رفتم. در سال ۱۳۶۸ در رشته ای به نام اطلاع رسانی از یکی از دانشگاه های برتر جهان فارغ التحصیل شدم و در همان دیار مشغول به کار شدم. به طور کلی، یک اطلاع رسان دو دغدغه حریفه ای دارد، یکی اینکه اطلاع رسان می باید ارباب رجوع را در کمترین زمان به منابع اطلاعاتی مورد نیاز او راهنمایی کند، صرفنظر از تخصص مراجعه کننده، و دومی اینکه، منابع پیشنهادی اطلاع رسان معتبر باشد.

خلاصه کنم، حرفه ای پرفشار است. انگار که هر روز سر جلسه امتحان حاضر بشوی. برای کاستن از این فشار فکری تصمیم گرفتم به گروهی پیوندم که در روزهای تعطیل در سطح شهر درختکاری می کرد تا جبران آلودگی هوا که با رانندگی در سطح شهر می شد را تا حدی بکند. روزهای شنبه و یکشنبه به محله های مختلف می رفتیم، با همکاری همسایگان درخت می کاشتیم و کار آبیاری و مراقبت از نهال ها را به آنها محول می کردیم.

یکی از این روزها بود که یکی از این فعالان، خانم سالمندی از اعضای همین گروه، با تعدادی بذر توجه همه را به خود جلب کرد. بذرهایی ذرتی که او در دست داشت بزرگتر از هر ذرتی بود که من تا به آن روز دیده بودم. دانه های بزرگ، براق و گویی پر از حیات. از او در مورد بذرها بیشتر جویا شدیم. او گفت که نوه اش اخیرا این بذرهایی بومی و اصیل را از کشور اکوادور به آمریکا آورده است که تکثیر کند. او به ما گفت که او نیز از این فرصت استفاده کرده و چند تایی از آنها را برای باغچه کاری توسط گروه درختکار آورده است. ما از این فرصت استقبال کردیم و در باغچه ای از این بذرها کاشتیم. بدون اینکه از کود و یا سم شیمیایی استفاده کنیم، از این بذرها یوته هایی قوی، بلند و پربازده در آمد که تعجب و تحسین همه را برانگیخت.

www.eabbassi.ir

برای یک اطلاع رسان، که بنده باشم، این پدیده تا حد زیادی، علاوه بر اینکه هیجان انگیز و شوق آور بود، بهت آور هم بود. چطور ممکن است که صدها، بلکه هزاران متن تخصصی، به زبان های مختلف، در منابع علمی کشاورزی جهان وجود داشته باشد که بر اساس آن بذر اصلاح شده «خوب، خوب، خوب» و بذر بومی «بد، بد، خیلی بد» باشد ولی در عمل ما چنین عملکرد عالی و بی نقص و کم هزینه ای از نمونه ای از بذر بومی داشته باشیم؟! تضاد بین این دو برای من گیج کننده بود. این تضادی نیست که یک اطلاع رسان بتواند از کنار آن با بی تفاوتی عبور کند.

از شما چه پنهان، برای پی بردن به ریشه این تضاد تصمیم گرفتم که دوباره به دانشگاه و کتاب و درس برگردم.

دانشکده ای که برای اینکار انتخاب کردم با دیگر دانشکده های کشاورزی فرق داشت. در این دانشکده - شاید باور آن دشوار باشد - روش های کشاورزی غیر شیمیایی سنتی دنیا تحقیق و تدریس می شد. پس از آغاز کلاس ها من متوجه شدم که هر از چند گاهی، اساتید و پژوهشگران ارشد این دانشکده به جوامع کهن جهان مثل چین و هند و نپال و غیره سفر می کنند تا با کار کردن دوشادوش زارعین سنتی این سرزمین ها، روش های کشاورزی غیر شیمیایی آنها را بیاموزند. این روش ها را در بازگشت به صورت مکتوب و مستند منتشر می کردند و ما دانشجویان این روش ها را با استفاده از بذرهای اصیل در مزارع دانشکده اجرا می کردیم. نتیجه بسیار درخشان بود. محصولات مزارع دانشکده که در بازارچه تره بار جنب ورودی دانشگاه، دو روز در هفته، به عموم عرضه می شد، از جاذبه های توریستی شهر و از مراکز خرید مورد استقبال مصرف کنندگان صیفی جات و سبزیجات تازه و غیر شیمیایی شهر بود. آنچه من از آموزه های تجربی و مشاهدات عینی خود در این دانشکده فرا گرفتم این بود که برتری بذرهای اصلاح شده و کشاورزی شیمیایی بر بذرهای اصیل و کشاورزی سنتی، افسانه ای بیش نیست. جعلی علمی است که اساس و پایه علمی ندارد اگر چه متون به اصطلاح علمی کشاورزی امروز جهان بر آن صحنه می گذارد.

www.eabbassi.ir

پس از فارغ التحصیل شدن از این دانشکده، از خودم پرسیدم که اگر من جویای راه و روش های سنتی انجام کارها و دانش معتبر (بر اساس تجربه و نه صرفا مکتوبات دانشگاهی) هستم، چرا به کشور خودم که جامعه ای کهن است برنگردم. و همین کار را هم کردم.

در سال ۱۳۷۳ به ایران برگشتم و بعد از چند سال تلاش پیگیر و با همکاری و همت چندی از جهادگران دلسوز در وزارت جهاد سازندگی و موافقت و مشارکت همه جانبه اهالی یک روستا موفق به تاسیس اولین ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی در روستای خوره در شهرستان محلات (استان مرکزی) شدیم. اگر چه کار این ایستگاه چندی پس از ادغام شدن جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی و پایان یافتن اعتبارات آن متوقف شد، اما من سعی کردم که کار پژوهش پیرامون جعلیات علمی را نه تنها در کشاورزی، بلکه در تغذیه، بهداشت، حمل و نقل، معماری و شهرسازی، آب و فاضلاب ادامه دهم. از این تلاش مجموعه وسیعی از اطلاعات نظری و عملی گردهم آمده که تمامی آن در وب سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» برای کلیه علاقمندان، از مصرف کنندگان و تولید کنندگان گرفته تا برنامه ریزان و

سیاستگذاران و دیگر مسئولین، مهیاست و از عزیزان حاضر در جلسه دعوت می کنم که حتما از این سایت بازدید کنند.



مسلم عزیزان حاضر، چون غالبا در روستا ساکن اند با مسایل روستایی به طور دست اول و ملموس آشنايند. و دليل اينکه من مشتى از خروار مسایل روستایی را در اين اسلايد آورده ام اساسا اين است که به شما درس پس بدهم که من هم از اين مسایل، به برکت دوستان و آشنایانی که در روستا دارم، باخبرم. آنچه پس از بيست سال تحقيق در اينگونه مسایل به آن اعتقاد پيدا کرده ام اين است که طرح های از بالا به پايين توسعه که در ايران و جهان متداول بوده نه تنها اين مسایل را حل نکرده بلکه به تعداد و شدت آنها هم افزوده است. در اینجا، آنچه من می توانم به اين بحث بيفزایم دو نکته است: یکی اينکه اين مسایل فزاينده، برخاسته از یک مسئله بزرگتر است که نام آن را «مادر مسایل» گذاشته ام. اين مادر مسایل در واقع «شرایط مسئله ساز» ی است که گريبانگير بسياری از جوامع روستایی ايران و جهان است. نکته دوم اينکه پی ببريم که آیا جوامع ديگر کاری کرده اند که اين شرایط مسئله ساز تخفيف پيدا کند؟

دو نکته:

۱. مادر همه این مسایل (شرایط مسئله ساز)

۲. آنهایی که توانسته اند این شرایط را تخفیف دهند چگونه عمل کرده اند؟

4

www.eabbassi.ir

برای توضیح بیشتر در مورد «مادر مسایل» روستایی و روشن شدن این نکته از تمثیل استفاده کنم. در این تمثیل از «سطل سوراخ» به عنوان نمادی از شرایط مسئله ساز در روستاهای امروز جهان استفاده می کنند.



۱. مادر همه این مسایل
به زبان تصویر و تمثیل

در ایران و جهان

5



شرایط مسئله ساز: نبود مدیریت برون رفت منابع

کدام منابع؟

- نیروی کار جوان (مهاجرت به شهر به بهانه پیشرفت)
- خاک و آب (در قالب محصولات صادراتی، به دست دلان)
- سلامتی (به نام کارآفرینی)
- هویت فرهنگی (به نام مدرن شدن) و کاهش جاذبه گردشگری
- نقدینگی (وابستگی به اقتصاد خارج از روستا برای همه چیز)

6

اما واقعیت این «مادر مسایل» چیست؟ این مسئله در واقع «نبود مدیریت برون رفت منابع» از محیط روستاست. خوب به منابعی که در این اسلاید آمده است فکر کنیم. در مورد اول، دهه های متمادی از برون رفت نیروی جوان از روستا می گذرد. این عزیزان به دنبال پیشرفت به شهرها مهاجرت کرده اند و همراه با خود نیروی فکری و فیزیکی جوان را نیز از روستا برده اند. آیا مدیریت یا نظارتی از سوی کسی در بیرون یا درون روستاها بر برون رفت این منبع عظیم بوده است؟ دو منبع دیگر آب و خاک است. این دو منبع ارزشمند به شکل محصولات کشاورزی و به بهانه تامین صادرات از روستا و در بسیاری از موارد از کشور خارج می شود. سلامتی از موهبات ارزشمند خداوند است. اما بدون در نظر گرفتن پیامدهای واحد های صنعتی زیانبار (مثل کارخانه تولید گچ یا سیمان) در نزدیکی روستاها به بهانه کارآفرینی، لطمه شدیدی به سلامت محیط و جامعه وارد می شود. همچنین دیده می شود که به عنوان مدرن شدن و شهری شدن، روستاهای ما اجازه داده اند که هویت فرهنگی آنها با تغییر ویژگی های کالبدی و معماری آنها کاملاً از میان برود و آنچه در معدود روستاها به عنوان جاذبه توریستی مولد ثروت و رونق اقتصادی است از بسیاری از روستاها رخت بر بسته است. شاید کلیدی ترین منبع که بدون هیچگونه مدیریت از روستاها خارج شده است، نقدینگی است. اینروزها برای بهبود زندگی در هر زمینه ای جوامع نیاز به نقدینگی دارند اما چه کنند آن جوامعی که نقدینگی خود را به طور مستمر به محیط خارج از دست می دهند. تاکید بر سیاست هایی چون

تک محصولی (تخصصی کردن تولید) در روستاها از تنوع کشت کاسته و این جوامع مولد و بسیار مستعد برای خودکفایی و خوداتکایی را، برای اساسی ترین نیازها، مثل خوراک، وابسته به شهرها کرده است. برای تامین این نیازهای اساسی از خارج از روستا، روستاییان باید نقدینگی بپردازند. با اجرای طرح های توسعه زیربنایی در سه و نیم دهه اخیر، برون رفت نقدینگی برای پرداخت قبوض برق و آب و تلفن هم بر مجاری برون رفت نقدینگی افزوده است. توسعه تسهیلات بانکی که به وامدار شدن بسیاری از روستاییان و پرداخت اصل و بهره وام ها منجر شده است نیز مجرای مهم دیگری برای برون رفت نقدینگی از روستا شده است.



دو سوال مهم:

۱. چرا این را مادر مسایل می نامیم؟

چون برون رفت مستمر منابع **شرایط مسئله** ساز در روستاها به وجود آورده است و به محض اینکه ما این شرایط را از بین ببریم مسایل کنونی روستا به تدریج ناپدید می شوند.

۲. چرا شناخت این مادر مسایل اهمیت دارد؟

چون تنها وقتی این مسئله را خوب بشناسیم می فهمیم که این شرایط **عاملدار** از روی برنامه و با **فریبکاری** و نه به صورت اتفاقی به وجود آمده است تا مردم را به سوی دو چیز سوق دهد:

(۱) وابستگی بیشتر مردم به اقتصاد پولی و

(۲) فردگرایی و رقابت بین آحاد مردم

7

حالا دو سوال مهم پیش می آید: چرا این مسئله را «مادر مسایل» می نامیم و اینکه چرا شناخت دقیق این مسئله ریشه ای اهمیت دارد؟



این مسئله، مادرِ مسایل نام گرفته چون شرایطی به وجود آورده که مسئله خیز است و تا زمانی که این مسئله حل نشود، چاره جویی و تلاش برای حل مسایل به طور جداگانه و یک به یک فقط تاثیری سطحی و مقطعی خواهد داشت و چه بسا به بروز مسایل جدیدی بینجامد. اما به عکس، اگر روستاییان بتوانند مدیریت خود را در سطح محلی بر برون رفت منابعی که نام بردم و دیگر منابع، اعمال کنند، نیازی به حل جداگانه مسایل کنونی نیست چون آن مسایل به خودی خود تخفیف می یابند با به کلی از میان می روند.



پس از این منظر، به زبان تمثیل، مأموریت ما در بهبود زندگی در روستا این است که فرآیند گذار از «شرایط مسئله ساز» به «شرایط توانمندساز» را تسهیل کنیم. یعنی مدیریت بیشتری بر برون رفت منابع اعمال کنیم، یعنی بسیاری از سوراخ ها را ببندیم و در عین حال با مشارکت اهالی بر غنای همان منابعی که الان به هدر می روند بیفزاییم. در شرایط توانمندساز، تلاش مردم به صورت مشارکتی به غنی شدن منابع و نه به صورت رقابت (که همسایگان را در بهره کشی ناپایدار و مخرب از منابع، انگار که با هم مسابقه گذاشته باشند، برمی انگیزد) می انجامد.

دو سوال مهم:

۲. چرا شناخت این مادر مسایل اهمیت دارد؟

این شرایط **عامدا و از روی برنامه و با فریبکاری** و نه به صورت اتفاقی، به وجود آمده است تا مردم را به سوی دو چیز سوق دهد:
 (۱) وابستگی بیشتر به اقتصاد پولی و
 (۲) فردگرایی و رقابت بین آحاد مردم

10

عرض کردم که مهم است که شناخت ما از این «مادر مسایل» دقیق باشد. و دلیل اهمیت شناختن دقیق این مسئله این است که درک کنیم که اتفاقی به وجود نیامده است. یعنی این شرایط مسئله ساز، خلاف آنچه ممکن است تصور شود، یکی از پیامدهای ناخواسته و نامطلوب توسعه صنعتی نیست، بلکه پدیده ای ناشی از برنامه ریزی دقیق، عامدانه و فریبکارانه است. این شرایط عامدانه به دو منظور به وجود آمده است: (۱) ایجاد وابستگی بیشتر مردم به اقتصاد پولی (یا بخوانید، تجارت جهانی) و (۲) اشاعه فردگرایی و رقابت در میان مردم (یا بخوانید، کمرنگ کردن و برچیدن مشارکت مردم در اداره امور محلی خود)

حالا می خواهیم با تعریف یک داستان عامیانه و معرفیِ مصادیقی از توسعه صنعتی، عامدانه و فریبکارانه بودنِ بروزِ شرایط مسئله ساز در روستاها را تا حدی باز کنیم.



این حکایت که عنوان آن «میخ» است، یک طورهایی با تمثیل سطل سوراخ خوب جور در می آید. من این حکایت را به یادگار از چوپان کهنسال روستای خورهه شادروان جناب آقای میدالله هدایتی تعریف می کنم:

روزگاری دو نفر بودند که چشمشان پی یک خونه بود. هر دو تا خیلی تلاش کردند که خود صاحب این خونه شوند و بالاخره یکی از آنها موفق شد و اثاثش را آورد و مستقر شد. هنوز چند روزی از معامله نگذشته بود که یکی در زد. بله؟ کیه؟ دید رقیبش دم در ایستاده.

گفت: «آقا، سلام. شما کجا، اینجا کجا؟»
رقیب گفت: «درسته که من خوش داشتم که این خونه مالِ من بود، ولی حالا مالِ شماست. اومدم تبریک بگم.»
گفت: «آقا، چرا دم در ایستادی، بفرما تو.»
خلاصه رقیب آمد تو و نشست و چند تا استکان چای خورد و موقع رفتن به صاحبخانه گفت: «ببین، من یک خواهشی ازت دارم. رویم را زمین نینداز.»
گفت: «اختیار دارین. بفرمایین.»
رقیب گفت: «من یک میخ دارم که می خوام تو دیوار این اتاق شما بکوبم.»
پرسید: «چرا می خواهی در دیوار اتاق من میخ بکوبی؟»

رقیب گفت: «یعنی تو با این مال و مکت و خونه و اثاث و غیره چشم نداری ببینی من یک میخ تو این دیوار بکوبم؟»

راضی شد. گفت: «خب، اشکال نداره. باشه، بکوب»

رقیب میخ را در دیوار اتاق صاحبخانه کوبید و رفت.

چند روز بعد دو مرتبه دید یکی داره در می زنه. بله؟ کیه؟ رفت دم در. دید باز رقیبش آمده.

گفت: «سلام، شما کجا، اینجا کجا؟»

رقیب گفت: «داشتم از این سمت رد می شدم، به خودم گفتم برم یک سری به میخم بزنم. اگر شما اجازه بدین.»

گفت: «سر به میخت بزنی؟»

رقیب گفت: «آره دیگه، همان که کوبیدم به دیوار شما.»

گفت: «خب، باشه. تشریف بیارین داخل.»

وارد شد و کتیش را کند و آویزان کرد به میخ. بعد چند تا استکان چای خورد و رفت.

وقت خداحافظی، صاحبخانه گفت: «آقا، کتت جا موند!»

رقیب گفت: «اون کُت از میخ من آویزونه. جای شما را که تنگ نکرده، کرده؟»

چند روز بعد دو مرتبه دید یکی داره در می زنه. بله؟ کیه؟ رفت دم در. دید باز رقیبش آمده.

گفت: «سلام، شما کجا، اینجا کجا؟»

رقیب گفت: «داشتم از این سمت رد می شدم، به خودم گفتم برم یک سری به میخم بزنم. اگر شما اجازه بدین.»

گفت: «خب، باشه. تشریف بیارین داخل.»

وارد شد و کلاهش را کند و آویزان کرد به میخ.

حتما شما می توانید حدس بزنید که رقیب موقع رفتن اینبار چه چیزی را در خانه این بنده خدا گذاشت و رفت. خلاصه این آدم فریبکار هی رفت و آمد. هم اسباب مزاحمت صاحبخانه را فراهم کرد و هم خرده خرده اثاث کشی کرد. بالاخره صاحبخانه که از اینهمه مزاحمت خسته شده بود با منت خانه را به رقیب فروخت و از خیر خانه گذشت.

بذر اصلاح شده هم که قبلا در موردش صحبت کردم هم یک میخ فریبکارانه است که به پیکر روستاها و کشاورزی کشورها کوبیده شده. بذر اصلاح شده تولید و ترویج شده که کشاورزان دنیا از منابع آب و خاک محیط خود به صورت رقابتی بهره برداری کنند و برای انجام اینکار مشتریان پروپاقرص کود شیمیایی، سموم دفع آفات و علف کش ها و اخیرا نیز خواهان وسایل و ادوات آبیاری تحت فشار بارانی و کشت گلخانه ای شوند. قبل از اختراع اینگونه بذر، کشاورزان با بذر بومی، بدون نیاز به نهاده های شیمیایی محصول تولید می کردند. اما صنایع تولید کننده کود و سموم شیمیایی از طریق ترویج کشاورزی در سطح جهانی اینطور وانمود کردند بذر اصلاح شده دارای بازده بالاتری است. آنها به مخاطبین خود نگفتند که بذرهایی اصلاح شده فقط با افزودن کود شیمیایی رشد می کنند و بار می گیرند. در مزرعه هم

کشاورزان یاد گرفتند که هر چه بیشتر کود به خاک بیفزایند، در مقایسه با همسایه خود، محصول بیشتری برداشت می کنند. همزمان اتخاذ سیاست پرداخت یارانه به نهاده های شیمیایی نیز به دولت ها آموخته شد. یعنی کشاورز برای دستیابی به محصول بیشتر می توانست کود بیشتری به محصول بدهد بدون اینکه متوجه باشد که هزینه واقعی این روش کشاورزی برای محیط زیست، منابع طبیعی و اقتصاد سرزمین و کشورش در چه حد است.

مدت زمانی گذشت تا کشاورزان و سیاستگذاران پی بردند که استفاده از کود شیمیایی اساساً غیر اقتصادی و بسیار پرهزینه است و از نظر منابع طبیعی و محیط زیست هم پایدار و ادامه دانی نیست. هر سال باید کود بیشتری به خاک داد تا بارور شود. و با گذشت زمان، خاک شور شده و کیفیت زراعی خود را از دست می دهد. کود شیمیایی آب زراعی بیشتری می طلبد که خود منجر به رشد انبوه علف های هرز می شود و این امر کشاورز را مجبور به خریداری علف کش بیشتری می کند. با ضعیف شدن خاک، گیاه ضعیف می شود و مورد تهاجم انواع آفات قرار می گیرد و کشاورز مجبور است به خریداری و استفاده از انواع آفت کش های تجاری روی آورد. همچنین در سطح کلان ملی، دولت ها قبلاً نیازی به پرداخت یارانه به تولیدات کشاورزی خود نداشتند ولی پس از ترویج کشاورزی شیمیایی، از محل اعتبارات دولتی، مقادیر عظیمی به این کار اختصاص داده شد. در کشور خودمان، تا چند سال پیش، یارانه ای که به کود شیمیایی داده می شد به قدری بود که مثلاً در استان مرکزی کیسه ۵۰ کیلویی کود اوره را ۲۵۰۰ تومان به کشاورز توزیع می کردند در صورتی که تامین آن (چه از طریق واردات و چه تولید داخلی) نزدیک به ۸۰۰۰۰ تومان بود. این یعنی بدون پرداخت یارانه به نهاده های شیمیایی، هیچ کشاورزی قادر به ادامه فعالیت اقتصادی خود نیست چون کشاورزی شیمیایی به علت بالا بودن هزینه نهاده های آن (یعنی بذر اصلاح شده، کود و سموم شیمیایی) از بیخ و بن غیر اقتصادی است.

فریب در زراعت: بذر اصلاح شده پیشرفته تر از بذر بومی

بذر اصلاح شده

و همزمان تغییر نظام کشاورزی از مشارکتی به خورده دلالی

یکی از میخ های صنایع کود و
سموم شیمیایی غرب در
روستاهای کشورهای جهان سوم

نتیجه: ایجاد رقابت بین روستاییان در بهره کشی بی امان از منابع آب و خاک برای صادرات و تامین نیازمندی های تجارت جهانی و جاری شدن ثروت ملت ها از طریق یارانه های دولتی به جیب شرکت های بزرگ صنعتی غرب

12

پس از این منظر است که می گویند برتری بذرهای اصلاح شده (و نوع جدیدتری از آن که به نام «بذر تراریخته» مشهور است) بر بذرهای اصیل و بومی افسانه ای بیش نیست. نتیجه این جعل علمی، ایجاد رقابت در میان بهره برداران کشاورزی در بهره کشی بی امان از منابع آب و خاک سرزمین خود برای صادرات و تامین نیازهای تجارت جهانی و همزمان جاری شدن ثروت ملت ها از طریق یارانه های دولتی به جیب شرکت های بزرگ صنعتی غرب بوده است.

در خلال تحقیقات ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی در خورهه، ما کشت قیاسی دو نوع بذر یکی گندم و دیگری جو را در برنامه کار خود قرار دادیم. گرچه در دانشکده کشاورزی ای که در مورد آن با شما سخن گفتم، برتری بذرهای بومی و روش های کشاورزی سنتی غیر شیمیایی به یقین و به تجربه برای من به اثبات رسیده بود اما برای تکرار این تجربه و دستیابی به نتایج مستند، انجام این آزمایش را بر خود لازم و واجب دانستم. اینکار دلیل دیگری هم داشت و اینکه انگیزه ای برای دانشگاهیان کشورم به وجود آورم که ایشان نیز با بذر گندم و دیگر بذرهای کشاورزی اقدام به پژوهش مستقل بزنند و به جعلی بودن ادعای برتری بذر اصلاح شده بر بذر بومی پی ببرند.

برتری بذر اصلاح شده بر بذر بومی افسانه ای بیش نیست.

آزمایشات قیاسی کشت گندم در روستای خورده

مقایسه میزان رشد ساقه





گندم ریحانی (گندم بومی منطقه) 13

گندم اصلاح شده

ما در این کشت قیاسی عملاً و از روی تجربه غیر قابل انکار فهمیدیم که بذر بومی گندم این منطقه (موسوم به «گندم ریحانی» یا «گندم قرمزه») از جمیع جهات بر بذر اصلاح شده برتری دارد. یکی اینکه چون می توان آن را دیرتر کاشت، یک نوبت آبیاری کمتر می خواهد. همچنین گندم بومی، هر ۱۴ روز یکبار آبیاری می طلبید، در صورتی که بذر اصلاح شده هر ۱۰ روز یکبار. کشت اصلاح شده نیاز به کود شیمیایی و سموم شیمیایی داشت (برای دفع آفت سن). اما گندم بومی از این دو نهاده بی نیاز بود. حالا نگاه کنیم به کیفیت عملکرد: در این دو عکس (اسلاید بالا) شما ارتفاع رشد این دو محصول را در کنار هم می بینید. ساقه بلندتر گندم بومی یعنی کاه بیشتر.

برتری بذر اصلاح شده بر بذر بومی **افسانه ای** بیش نیست.

آزمایشات قیاسی کشت گندم در روستای خورده

مقایسه سلامت برگ



گندم اصلاح شده

گندم ریحانی (گندم بومی منطقه)

14

در این دو عکس هم که همزمان گرفته شده اند، شما می توانید وضع و حال سلامتی این دو بوته را با هم مقایسه کنید. برگ گیاه گندم اصلاح شده روبه زردی می رود اما برگ گیاه گندم بومی کماکان سبز است. یعنی اینکه گیاه گندم بومی قادر است به مدت طولانی تری مواد غذایی را به دانه برساند. و در عکس بعدی مقایسه اندازه دانه های گندمی که از هر یک از این دو کشت به دست آمده گواهی صادق و انکارناپذیر بر برتری عملکرد گونه بومی است، بدون هزینه های اضافی ای که کشاورز و کشور برای کشت گندم شیمیایی متحمل می شود.

برتری بذر اصلاح شده بر بذر بومی **افسانه ای** بیش نیست.

آزمایشات قیاسی کشت گندم در روستای خورده

مقایسه کیفیت محصول



گندم اصلاح شده

گندم ریحانی

15

امیدوارم که با این مثال، ابعاد این فریب بزرگ در حوزه کشاورزی برای عزیزان روشن شده باشد. پس لازم است که برای دستیابی به پیشرفت واقعی، هوشیار باشیم. بیاییم با هم نگاهی فهرست وار به تاثیر این فریب بر شرایط مسئله ساز در روستاها، که همان برون رفت بدون مدیریت منابع از روستاها باشد، بیندازیم. اینها چیزهایی است که به واسطه کشاورزی شیمیایی با بذر اصلاح شده از روستا خارج می شود و روستا بیشتر آسیب پذیر می گردد:

فریب در زراعت

تاثیر بر شرایط مسئله ساز:



(۱) پول برای خریداری نهاده های غیر ضرور چون کود شیمیایی و سم شیمیایی

(۲) منابع آب و خاک به شکل محصولات زراعی و باغی برای صادرات

(۳) پول برای خریداری کالاهای مصرفی که به علت کاهش تنوع تولید دیگر در روستا تولید نمی شود.

(۴) نیروی کار، که به علت صنعتی شدن کشاورزی از چرخه تولید کشاورزی و ناچارا از روستا بیرون می شوند

وابستگی و فقر

۱۶

- (۱) نقدینگی برای خریداری نهاده های غیر ضرور چون کود شیمیایی و سم شیمیایی
- (۲) منابع آب و خاک به شکل محصولات زراعی و باغی برای صادرات
- (۳) نقدینگی برای خریداری کالاهای مصرفی که به علت کاهش تنوع تولیدات، دیگر در روستا تولید نمی شود.
- (۴) نیروی کار، که به علت صنعتی شدن کشاورزی از چرخه تولید کشاورزی و به ناچار از روستا بیرون رانده می شود.

در کشاورزی امروز، چون کشاورزان خود را متکی به پول و در رقابت با یکدیگر می بینند، روند بهره کشی فرسایشی بر پیکر اقتصاد کشور و منابع طبیعی روستا ادامه می یابد. و دولت ها نیز که به علت افزایش نیاز به واردات انواع نهاده های شیمیایی به ارز بیشتری محتاج می

شوند این روند بهره‌کشی رقابتی از آب و خاک توسط کشاورزان را تشویق می‌کند تا بتوانند مقادیر بیشتری از محصولات تولید کشورشان را صادر کنند تا به ارزش مورد نیاز دست یابند. پس می‌بینیم که چگونه این میخ استعمار در کشاورزی کشورها، کشاورز، وارد کننده، صادر کننده، بانک‌ها و دولت‌ها را، بدون اینکه نمایندگان اینها مجبور به نشستن سر یک میز و رسیدن به یک توافق جامع داشته باشند را هماهنگ و همگام کرده که در خدمت اقتصاد پولی و تجارت جهانی قرار گیرند، بدون اینکه از پشت صحنه ماجرا باخبر باشند.

دو نکته:



۱. مادر همه این مسایل

الف: شرایط مسئله ساز به وجود آورده
ب: عامدانه به وجود آمده تا ما به سری وابستگی به اقتصاد پولی و رقابت سوق داده شویم

۲. آنهایی که توانسته اند این شرایط را
تخفیف دهند چگونه عمل کرده اند؟
(راهکارهای مقاومتی)

17

همانطور که قبلاً اشاره کردم، خوب است ضمن بررسی «مادر مسایل» همچنین پی ببریم که چه راهکارهای مقاومتی برای مقابله با این فریب استکبار جهانی در جوامع دیگر اتخاذ شده است.

با جستجو به دنبال این راهکارها به مصادیق جالبی از کاربرست دانش (به معنی آگاهی) و مشارکت مردم (به معنی نفی عملکرد رقابتی در بهره‌گیری از منابع طبیعی) برای بهبود زندگی در روستا بر می‌خوریم: با روشن شدن ابعاد فریب استعمار در جوامع کشاورزی، کشاورزان در این کشورها اقدام به تشکیل بانک‌های بذر بومی کرده‌اند. شیوه عملکرد این بانک‌ها از جا به جا (هند، آمریکا و کانادا) متفاوت است. اما اساساً این تشکیلات به کشاورزان کمک

کرده است که با مشارکت هم به گردآوری میراث کهن کشاورزی سرزمین خود، یعنی بذرهای بومی، و تکثیر آنها بپردازند و بدینوسیله از بذرهای اصلاح شده بی نیاز شده و از آسیب های مرتبط با آن بگریزند.



– گردآوری بذرهای بومی، تکثیر و استفاده مشارکتی از آنها

– احیای روش های کشاورزی بومی



تامیل نادو، هندوستان

تامیس بانک های بذر در مناطق زراعی



لاداخ، هندوستان



برای استفاده از بانک بذر تپازی به پول نیست. 18



بانک های بذر در ایالت تامیل نادو در کشور هند، به این صورت عمل می کند که کشاورزان در هنگام مراجعه به این بانک ها مقداری بذر دریافت می کنند و در هنگام برداشت محصول همان مقدار به علاوه مقداری بیشتر به عنوان کارمزد به بانک باز می گردانند. هیچ پولی بین کشاورز و بانک بذر رد و بدل نمی شود و همه کشاورزان از این طریق به کشت برتر با هزینه کمتر دست می یابند. ناگفته نماند که در کشور ایتالیا، حفاظت از ذخایر ژنتیکی کشاورزی (که همان بذرهای بومی باشد) اساس برنامه ریزی و سیاستگذاری کشاورزی در آن کشور قرار گرفته چون دولت پی برده است که برای موفقیت بیشتر در سیاستگذاری کشاورزی باید فعالیت های این حوزه، واقعا اقتصادی باشد نه متکی به یارانه ها.



فریب در ساخت و ساز: ساخت و ساز با سیمان و آجر و فلزات ساختمانی
پیشرفته تر از ساخت با خاک و گل است.

میخ دیگری از صنایع غراب: مصالح صنعتی ساختمانی مثل تیر آهن، سیمان، آجر،
فوم



نازیبا، بدون عایق، گرانقیمت



ساختمان های آجری- تیر آهنی

19

اما کوبیدن میخ به پیکر اقتصاد جوامع دنیا فقط به عرصه کشاورزی محدود نمی شود. در
ساخت و ساز نیز ما شاهد برون رفت منابع از جوامع روستایی و شهری جهان بوده ایم. آن
دسته از شما عزیزان که فریب این ساختمان های شهری را به نام «پیشرفت» و «ترقی» خورده
اید و از خانه های خشت و گلی سنتی روستایی خود به یکی از این خانه های آجری، سیمانی
که با تیر آهن یا میلگرد ساخته شده اسباب کشی کرده اید شخصا تجربه کرده اید که من چه
می گویم. دیوارهای نازک این بناها ساکنین را مجبور می کند که اقدام به خریداری تعداد
بیشتری از انواع وسایل گرمایشی و سرمایشی و مصرف انرژی بیشتر در زمستان و تابستان
کنند.

حالا ببینیم تاثیر ساخت و ساز با مصالح صنعتی که در مرحله تولید نیز متکی به انرژی بسیار
زیاد و در نتیجه دریافت یارانه های کلان دولتی است، بر برون رفت منابع محلی یک روستا و
تشدید مسئله مادر در روستا چیست:

(۱) نقدینگی برای خریداری نهاده های غیر ضرور چون سیمان، تیر آهن، میلگرد، فوم در هنگام
ساخت خانه

۲) نقدینگی برای تامین وسایل گرمازا و سرمازا و انرژی برای سرمایش و گرمایش فضاها
درونی به لحاظ دیوارهای بسیار نازک

۳) مهاجرت نیروی جوان، به لحاظ گران شدن نرخ مسکن و عدم تناسب بین درآمدهای روستا
و نرخ مسکن

۴) نقدینگی برای پرداخت بهره وام مسکن

فریب در ساخت و ساز

تأثیر بر هدر رفت منابع محلی:



۱) پول برای خریداری نهاده های غیر ضرور
چون سیمان، تیرآهن، میلگرد، فوم
۲) پول برای تامین انرژی برای سرمایش و گرمایش فضاها
درونی به لحاظ دیوارهای بسیار نازک
۳) نیروی جوان، به لحاظ گران شدن نرخ مسکن و
عدم تناسب بین درآمدهای روستا و نرخ مسکن
۴) پول برای پرداخت بهره وام مسکن

وابستگی و فقر

20

راهکار مقاومتی در این مورد چه بوده است؟ روستاییان دنیا در این مورد نیز به دانش و مشارکت مردمی روی آورده اند. در این اسلاید دو نمونه ساختمان خشتی می بینیم. چه کسی می گوید که نمی توان با خشت ساختمان های چند طبقه ساخت؟ چه کسی می گوید که نمی توان با خشت ساختمان های زیبا ساخت؟ در دانش بومی جوامع دنیا علم اینگونه خانه سازی وجود دارد. این دو عکس از مبتکران روستایی به نام اروویل در جنوب کشور هند است. خشت هایی که در بنای این خانه ها استفاده شده حداکثر شامل ۵ درصد سیمان است و از طریق این دستگاه دستی که توسط ۴ الی ۶ نفر به کار گرفته می شود ساخته می شود. این تعداد نفر می تواند روزانه هزار خشت تولید کند. این خشت ها نیازی به پختن ندارند. چه راه هوشمندانه ای برای بی نیاز شدن از سوخت های فسیلی در تولید مصالح ساختمانی (مثل

آجر) و در عین حال ایجاد کار و ساخت خانه های محکم، زیبا و راحت. دیوارهای ضخیم این خانه ها از نیاز ساکنین به وسایل گرمایشی و سرمایشی و مصرفِ انرژی می کاهد.

راهکار مقاومتی

احیای روش های مشارکتی ساخت و ساز با مصالح بومی





روستایی در ایالت کولورادو، آمریکا

بناسازی با بلوک های خشتی (با ۵٪ سیمان)





21



روستای اورویل
هندوستان



این ساختمان بالایی از روستایی در ایالت کولورادوی آمریکاست. سازنده این خانه که یک خانم است با استفاده از فناوری مبتکرانه ای که ریشه در کشور خود ما دارد اقدام به ساختن این خانه کرده است.

راهنمای مقاومتی

احیای روش های مشارکتی ساخت و ساز با مصالح بومی

فناوری ابرخشت






مبتکر:
شادروان مهندس نادر خلیلی

22

نام این فناوری ابرخشت است. ابرخشت چیزی نیست جز کیسه ای پر از خاک. مبتکر این فناوری که مورد تایید شورای بین المللی ساخت و ساز در آمریکا به عنوان بنایی ضد زلزله قرار گرفته شادروان نادر خلیلی مهندس معمار ایرانی است که بنده افتخار شاگردی این بزرگوار را داشته ام و از نزدیک با ساخت و ساز با این روش هوشمندانه آشنا شده ام.

در این روش نسبتا ساده، گونی های پر از خاک (به صورت جدا از هم یا با بهره گیری از گونی های به هم پیوسته) به ترتیبی خاص، ردیف به ردیف روی هم چیده می شوند و از این طریق فضاهای گنبدی و طاقی درست می شود. این روش ساخت و ساز با مصالح بومی (یعنی همان خاک زمینی که روی آن بنا ساخته می شود) یکی از پر طرفدار ترین شیوه های جدید ساخت و ساز در دنیا شده است چون ساخت بنا با خاک ارزانترین و از نظر عایق در برابر انتقال حرارت در فصل سرما و گرما مقاومترین است.

در این اسلاید دو نمونه از این بناها که در کشور هایتی پس از زلزله مهیبی که در این کشور چند سال پیش رخ داد ساخته شده است را می بینیم. مردم با کمک هم و با بهره گیری از این

راهنمای مشاوره

احیای روش های مشارکتی ساخت و ساز با مصالح بومی

فناوری ابرخشت



مبکر:
شادروان مهندس نادر خلیلی

روستایی در کشور هائیتی

دانش این خانه ها را ساخته اند و همانطور که می بینید مطابق با فرهنگ بومی خود آنها را تزئین هم کرده اند.

توجه به فرهنگ در خانه سازی اساس کار است. ما این عکس ها را به گروهی از علاقمندان خانه سازی ارزان و ایمن در یکی از روستاهای اطراف مشهد مقدس نشان دادیم. واکنش آنها جالب توجه بود. «این خانه ها خیلی کوچک است. در این خانه ها، عروس ما یا دختر ما جهازش را کجا جا بدهد؟» پس ما دست به کار شدیم و با توجه به مطالبات این عزیزان یک خانه ابرخشتی در این روستا طراحی کردیم که در اسلاید بعدی مشاهده می فرمایید.

«کُنَج بهشت: خانه ایرانی قرن ۲۱» دارای ۱۳۰ متر مربع زیربناست. دارای سه اتاق، یک آشپزخانه، و دو سرویس بهداشتی است. این بنا، به پیروی از فرهنگ بومی دارای بیرونی و اندرونی است. یعنی می توان به سنت حسنه میهمان نوازی ادامه داد بدون اینکه فعالیت های اعضای خانواده تحت تاثیر قرار بگیرد. بادگیرهای این خانه در جهت حیاط خلوت سایه ساری است که مجهز به حوض آب و فضای سبز انبوه است و لذا در فصل تابستان کولری طبیعی به مساحت ۲۱ متر



خدمات اطلاع رسانی اسفندیار عباسی

086 4325 5251

esfandiarabbassi@gmail.com



کنج بهشت، خانه ایرانی قرن ۲۱

زیربنا: ۱۳۰ متر مربع

هزینه مصالح (پایان مرحله سفتکاری): کمتر از ۸ میلیون تومان

طراحی شده برای ساخت در روستایی در خراسان رضوی

24

مربع (و حجم ۸۴ متر مکعب) را در اختیار ساکنین قرار می دهد. در فصل زمستان، دیوارهای ضخیم خاکی این بنا انرژی آفتاب را در طی روز جذب کرده و در هنگام شب گرمای مطبوع فضاهای داخلی را تامین می کند. این بنا دارای ویژگی های دیگری چون تولید برق و استحصال آب بارندگی هم هست که مفصلاً در وب سایت «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» تشریح شده است.^۱ این تصاویر از ماکت این خانه تا پایان مرحله سفتکاری را نشان می دهد. هزینه مصالح ساختمانی این بنا تا این مرحله، در حال حاضر در حدود ۸ میلیون تومان تخمین زده می شود.

حالا در این اسلاید نگاه کنیم که ساختن چنین بنایی چگونه می تواند به ما کمک کند که از شرایط مسئله ساز امروز در روستاها عبور کنیم و به شرایط توانمندساز در روستاهای خودکفا و خود اتکای روستاهای واقعا پیشرفته قرن ۲۱ برسیم.

(۱) خانه سازی تعاونی (با مبادله کار با کار و حذف هزینه نیروی انسانی)

(۲) استحصال آب بارندگی (پرداخت آب بهای کمتر در روستا)

¹ www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_const_des_erthqksfirandetails.htm

- (۳) استفاده از مصالح بومی (بی نیازی از مصالح صنعتی گرانقیمت و وام مسکن)
- (۴) تقویت هویت فرهنگی و توسعه جاذبه توریستی روستا و جذب گردشگر
- (۵) صرفه جویی در خریداری مصنوعات گرمایشی و سرمایشی و پرداخت هزینه بسیار کمتر برای انرژی به منظور سرمایش، گرمایش و روشنایی
- (۶) ضد زلزله و سیل
- (۷) مسکن ارزان و بسیار آبرومند که ماندگاری زوج های جوان در روستا را تشویق می کند




مزایای این بنا:

- خانه سازی تعاونی (حذف هزینه نیروی انسانی)
- استحصال آب (پرداخت آب بهای کمتر در روستا)
- استفاده از مصالح بومی (بی نیازی از مصالح صنعتی و وام مسکن)
- تقویت هویت فرهنگی و توسعه جاذبه توریستی روستا
- صرفه جویی در هزینه انرژی برای سرمایش، گرمایش و روشنایی
- ضد زلزله و سیل
- مسکن ارزان و آبرومند و ماندگاری زوج های جوان در روستا



25

با این توضیحات و تفاوت های فاحش، واقعا شما فکر می کنید کدامیک از این دو پیشرفته تر است؟ به این اسلاید بعدی توجه بفرمایید. کدامیک از این دو روش ساخت و ساز برتر است؟ سازه ای ابرخشتی، زیبا و کم مصرف از نظر انرژی و یا سازه های کم عایق و بدعایق به اصطلاح امروزی که نه زیبا و نه از لحاظ رفاه ساکنین قابل قبول اند؟



واقعا کدام بهتر است؟



26 نازیبا، بدون عایق، گرانیقیمت

ساختمان های آجری- تیر آهنی

روستائشینیان آگاه جهان که به ارزش نوآوری و مشارکت پی برده اند، و لذا در برخی از موارد ابتکار عمل را به دست گرفته اند. در روستای فیندهورن در کشور اسکاتلند و روستای اروویل



راهکارهای مقاومتی دیگر

چرا برق مورد نیاز خود را در محل تولید نکنیم؟!



ساخت توربین های بادی کوچک
در روستایی در موزامبیک

روستای اورویل، هندوستان
روستای فیندهورن، اسکاتلند



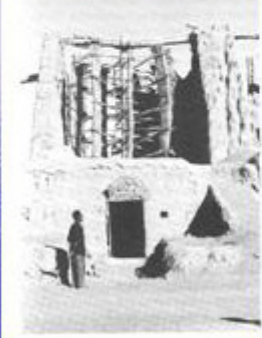
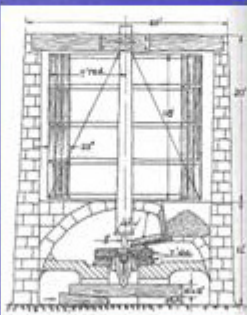
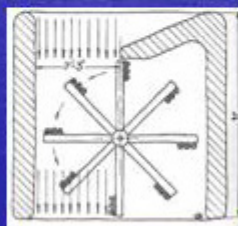
در کشور هند، اهالی برق خود را در محل تولید می کنند و از شبکه سراسری بی نیاز شده اند. نه، اصلاح می کنم، از شبکه سراسری بی نیاز نشده اند، بلکه روستای فیندهورن از این شبکه استفاده می کند و مازاد برق خود را به شبکه می فروشد! این روستاها ثابت کرده اند که می توان پا را با نوآوری از تولیدات سستی، یعنی زراعت، باغداری و دامداری و نساجی و نظیر اینها فراتر گذاشت و عرصه تولیدات روستا را گسترش داد تا «شرایط توانمندساز» (همان سطل پر کم سوراخ) زودتر و قوی تر به ظهور برسد.

شاید کسی به این عکس ها نگاه کند و افسوس بخورد که ما توربین های تولید برق پیشرفته از کجا بیاوریم. این لوازم و ادوات خود سرمایه گذاری کلان و دانش فنی برتر می خواهد. اما واقعیت این است که دانش برتر نزد ما ایرانیان است. امروزه طراحان این توربین های بادی پی برده اند که این توربین های فلزی که بسیار گرانبه است اند دارای نقاط ضعفی چون آسیب پذیری در برابر بادهای شدید و زنگ زدگی اند. این طراحان به تجربه فهمیده اند که توربین های بادی با محورهای عمودی در برابر باد بسیار مقاوم تر و کارآمد ترند.

www.eshghi.ir



تولید محلی برق با دانش بومی در ایران؟؟

آسیادهای سیستان و خراسان

28

و این فناوری را ما ایرانیان در آسبادهای خراسان و سیستان به کمال رسانده ایم. ما نیازی به این توربین های فلزی اصلا نداریم! ما می توانیم به راحتی در مناطق باد خیز در محل برق تولید کنیم و پولی را که امروز خرج برق می کنیم را در روستای خود نگه داریم؟ استعداد و فرصت چنین کاری کاملاً وجود دارد. این یکی دیگر از مصادیق زیبای ترکیب دانش و مشارکت مردم برای بهبود زندگی در روستاست.



استعداد ایجاد سطل پر از محل تولید محلی برق با مشارکت محلی و دانش بومی




تولید برق و ایجاد شغل و درآمد

آسبادهای نشیفان

- ۱- تولید برق برای مصرف محلی
- ۲- تولید برق برای فروش به شبکه سراسری
- ۳- کارآفرینی با مشارکت خبرگان محلی و دانش
آموختگان رشته برق و عمران
- ۳- جلب هنرجو به کلاس های آموزشی برای ترویج
این تکنولوژی بومی به دیگر روستاییان
- ۴- جلب گردشگر

28

کشورها امروزه به خطا اعتبارات عظیمی را صرف ساختن سدهای آبی برای تولید برق می کنند. در صورتی که در نقاط بادخیز می توان با اندک سرمایه گذاری سدهای بادی مانند آنچه در این تصاویر دیده می شود ساخت. ما می دانیم که این راهکار موثری است چون این سدهای بادی قبلاً غلات نیاکان ما را آرد می کردند و امروزه همین سازه ها می توانند علاوه بر آرد، برق جوامع ما را نیز تامین کنند. لازمه اینکار تسهیل مشارکت و همکاری دانش آموختگان رشته عمران و رشته برق از یک سو و خبرگان آسبادهای خراسان از سوی دیگر است تا این میراث فرهنگی نیاکان ما به جای اینکه فقط ثبت یونسکو شود، در پیشرفت کشور ما و حرکت رو به جلو در کاهش اتکا به سوخت های فسیلی، نمونه ای الهام بخش برای جهانیان گردد.

همانطور که در این اسلاید می بینیم، تاثیر این نوآوری در گذار از شرایط مسئله ساز کنونی به شرایط توانمندساز بسیار قابل توجه است:

- ۱) تولید برق برای مصرف محلی و جلوگیری از خروج نقدینگی از روستا
- ۲) تولید برق برای فروش به شبکه سراسری و کسب درآمد در روستا
- ۳) کارآفرینی با مشارکت خبرگان محلی و دانش آموختگان رشته برق و عمران
- ۴) جلب هنرجو به کلاس های آموزشی برای ترویج این تکنولوژی بومی به دیگر روستاییان
- ۵) جلب گردشگر

این سازه ها به خودی خود جذاب اند. با ترمیم آنها و افزودن فرم و نقش های سستی به آنها درآمدهای حاصله از گردشگرانی که برای دیدن این سدها به روستا می آیند و در ضمن از محصولات محلی نیز به عنوان سوغات خریداری می کنند، خود رقم چشمگیری خواهد بود.



راهنمای آموزشی دیگر

ارائه خدمات اجتماعی (ایجاد اشتغال، جذب نقدینگی و افزایش تقاضای محلی برای محصولات تازه و سالم روستا)

ارائه خدمات خدایسنده به سالمندان، معلولین و ایتم و ایجاد شغل و درآمد

۱- مشارکت بین فارغ التحصیلان رشته های مرتبط
۲- ارائه خدمات اسکان و تغذیه برای خویشاوندان مددجویان
۳- فروش انواع محصولات غذایی تازه و سوغات
۴- بالا رفتن تنوع تولید کشاورزی و بی نیاز شدن روستاییان از خرید از شهر
۵- جلب گردشگر برای بازدید از این طرح های انسانی
۵- ارائه کلاس های آموزشی به دیگر روستاها

نگهداری از ایتم روستای کیتز، روسیه

توانبخشی به معلولین روستای سولهایمر، ایسلند



30

از جمله راهکارهای مقاومتی دیگر، ارائه خدمات اجتماعی به جامعه است. همانطور که در این اسلاید (بالا) دیده می شود روستاییان در جهان با بالا رفتن سواد و فارغ التحصیلان تحصیلات عالیه در رشته هایی چون پرستاری، روان شناسی بالینی، پزشکی و غیره در میان آنها از خود پرسیده اند چرا ما نباید به جامعه بزرگتر خود خدمات اجتماعی ارائه بدهیم؟ به برکت طبیعت اطراف، محیط روستا و نه شهر، دارای امنیت، ایمنی، آرامش و سلامت ایده آل برای تاسیس موسساتی برای ارائه خدمات مناسب به معلولین، سالمندان، ایتم و غیره است. این روستاییان توانسته اند با این کار، ضمن جلب خشنودی خداوند، تقاضا برای محصولات سالم کشاورزی خود را در محل بالا ببرند. همانطور که می توانید تصور کنید، این موسسات خود از خریداران عمده محصولات روستا هستند، ضمن اینکه خویشاوندان مددجویان نیز در هر سفر به روستا برای عیادت از دلبدان خود از محصولات روستایی خریداری می کنند. بسیاری از این روستاها محصولی برای فروش به دلال ندارند چون تمامی محصولات خود را مستقیما و با ارزش افزوده به مصرف کنندگان می فروشند.

www.eabbassi.ir

در این اسلاید تاثیر تاسیس چنین موسساتی را می توان بر گذار از شرایط مسئله ساز به شرایط توانمندساز دید:

- ۱) ایجاد کار و درآمد با ایجاد مشارکت بین فارغ التحصیلان رشته های مرتبط
- ۲) ارائه خدمات اسکان و تغذیه برای خویشاوندان مددجویان
- ۳) فروش انواع محصولات غذایی تازه و سوغات
- ۴) بالا رفتن تنوع تولید کشاورزی و بی نیاز شدن روستاییان از خرید از شهر
- ۵) جلب گردشگر برای بازدید از این طرح های انسانی
- ۶) ارائه کلاس های آموزشی به دیگر روستاییان برای ارائه خدمات مشابه در دیگر شهرستان ها

حالا ما یک نگاه همزمان به تمام راهکارهای مقاومتی در برابر فریب استعمار که شرایط مسئله ساز در روستاها به وجود آورده است بیندازیم. همه اینها، یعنی خانه سازی با مصالح و طراحی بومی، بازگشت به بذرهای بومی و روش های مشارکتی و غیر شیمیایی کشاورزی،



تولید برق محلی، ارائه خدمات اجتماعی در روستا، در دو چیز باهم مشترکند: یکی اتکا به دانش به جای اتکا به پول و دوم بهره‌گیری از مشارکت مردم به جای رقابت بین مردم. یعنی شما در این دو عامل کلید موفقیت در بهبود زندگی در روستا را یافته اید.

در روی آوردنِ عالمانه به این دو عامل ما به پایان دوران سطل سوراخ در جوامع روستایی رسیده ایم و می‌توانیم امید داشته باشیم که بتوانیم روستاهای سالم و پیشرفته قرن ۲۱ را بنیانگذاری کنیم. روزی خواهد آمد که جوانان در شهر نیز برای تجربه کردن پیشرفت واقعی، یعنی کسب توانایی دستیابی به کیفیت بالاتر زندگی در شرایطی که انرژی هر روز گرانتر می‌شود، راهی روستاها شوند.

شاید استفاده از تمثیل و حکایات محلی و نظایر آنها در این سخنرانی برای نشان دادن استعداد روستاها برای ایجاد کانون‌های پیشرفت و تولید سالم در جوامع آینده، بعضی‌ها را به این فکر وادارد که شاید ما تئوری گفتیم و در عرصه عمل چنین طرح‌هایی در سطح وسیع امکانپذیر نیست. برای این دسته از عزیزان ما در پایگاه اطلاعاتی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» راهنمایی منتشر کرده ایم که قدم به قدم مدیران روستا و اعضای شوراهای اسلامی را به این

سمت هدایت می کند. در این راهنما،^۲ ما مصادیق بیشتر و رو به رشدی از روستاهای سالم و پیشرفته قرن ۲۱ را معرفی کرده ایم که با پرداختن به توسعه همه جانبه توانسته اند آسیب پذیری را پشت سر بگذارند و به خوداتکایی، خودکفایی و مقاومت در برابر نظام سلطه و فریب های آن دست یابند.



حالا با اجازه عزیزان حاضر در جلسه به بخش دوم این کلام می رسیم. و آن نظرات شماست. سخنرانی ای که سخنران متکلم وحده باشد ناکافی است. یعنی اطلاع رسانی یکسویه است در صورتی که وقتی مستعین خود سخنران می شوند، همه می آموزند و راه برای تبلور مردم سالاری مستقیم و برکات آن هموار می شود. در بخش اول من حرف زدم و شما لطف کردید و گوش دادید، حالا شما فرمایش می کنید و همه می شنویم. اگر اجازه بدهید من تسهیلگر شما بشوم که همه بتوانند به نوبت فرمایش کنند. همچنین در تحقق مردم سالاری مستقیم در چنین جلساتی، پسندیده و مطلوب است که وقتی کسی فرمایشی کرد که شما هم با آن موافقید یا تجربه ای موید فرمایش آن فرد دارید، خود را بی نیاز از صحبت کردن ندانید. شما هم بفرمایید، که بله من هم چنین تجربه ای دارم. یا بالعکس اگر تجربه ای که بیان می شود از

^۲ www.eabbassi.ir/guide_rural_intro.htm

تجربه شما بسیار دور است، بفرمایید، بلکه آنچه این همکارم فرمایش کردند شاید در منطقه ایشان وجود داشته باشد اما در روستای ما مورد ندارد. به این ترتیب ما همه می آموزیم که کدام مسایل و نکات فراگیرند و کدام صرفاً تجربه های فردی و منطقه ای اند.

سخنران اول: نظر من این است که بر اساس اطلاعاتی که شما مطرح کردید کلاس هایی مستقیماً برای کشاورزان در روستاها گذاشته شود تا این اطلاعات به صورت وسیع تری در اختیار تولید کنندگان قرار گیرد.

سخنران دوم از کاشمر: خودکفایی واقعاً یکی از ملزومات بهبود زندگی در روستاست. یکی از موانع خودکفایی، من خود یک روستایی ام و اعتراف می کنم، تنبلی ما تولید کنندگان محلی است. اما مسایل دیگری نیز هست. مثلاً در روستای ما وقتی مغازه داران اقدام به فروش ماست محلی می کنند، دستگاه های دولتی با این امر مخالفت می کنند و می گویند که حتماً باید از نوع ماستی که به صورت صنعتی تولید شده بفروشند. خوب آیا این خودکفایی را تشویق می کند یا تضعیف؟

www.eabbassi.ir

سخنران سوم از تایباد: در تایید آنچه در سخنرانی شما مطرح شد من دو نکته دارم. یکی اینکه من خودم شخصا دو خانه در روستا دارم. یکی از آنها سنتی و دیگری از همین خانه های آجری جدید است. در زمستان در خانه سنتی که دارای پی های قطوری است ما به وسایل گرمازا نیازی نداریم ولی در ساختمان جدید ما سه تا بخاری گازی داریم ولی باز هم کفاف نمی دهد. من واقعاً علاقمند به ساختن یکی از ساختمان هایی که شما نشان دادید در روستای خودمان هستیم تا اهالی ببینند که می شود با هزینه ای نسبتاً پایین خانه ای ساخت که برای رفاه ساکنین ما مجبور نباشیم تا این حد گاز مصرف کنیم.

نکته دوم اینکه واقعاً در کشاورزی ما استفاده از سم چیز عجیبی شده است. انگار که بدون استفاده از سم نمی توان به هیچوجه کشاورزی کرد. ما واقعاً چطور می توانیم از هزینه ها و خطراتی که این سم دارد رهایی پیدا کنیم. خطرات نه تنها برای خود ما بلکه برای مصرف کننده که از محصولات کشاورزی استفاده می کند.

سخنران چهارم: مسئله ای که ما با آن روبرو بوده ایم این است که گاه آنچه اهالی جمعا تصمیم به اجرای آن می گیرد چون آن را به صلاح روستا می داند با مخالفت و ممانعت دستگاه های دولتی روبرو می شود و تلاش های ما هیچی می شود. مثلا ما جمعا تصمیم گرفتیم که جایگاه های دام را به مکانی در بیرون از منطقه مسکونی روستا منتقل کنیم. این کار قرار بود با موافقت کامل تمام دامداران روستا انجام شود و ما در مورد آن خیلی خوشحال بودیم چون مسایل بهداشتی واقعا از این نظر حاد شده بود. اما دستگاه های دولتی مخالفت کردند و ما موفق به انجام این کار نشدیم. خوب وقتی دست ما روستاییان اینطور بسته است، چطور می توانیم از خودمان حرکتی انجام دهیم.

تسهیلگر: اجازه بدهید، از آنجاییکه نظیر این مورد قبلا در این جلسه مطرح شد و نظیر آن را بنده از روستاییان دیگر نیز شنیده ام همینجا از جناب آقای مهندس نورمحمدی مدیر کل محترم دفتر امور روستایی استانداری بپرسیم که در این روستاهای منتخب برای رفع موانعی نظیر این چه تمهیداتی در مدل توسعه ای که امروز ما را دور هم جمع کرده است اندیشیده شده است.

www.eabbassi.ir
آقای نور محمدی: برای رفع چنین موانعی، فرمانداران هر شهرستان پذیرفته اند که پذیرای اینگونه سوالات و مشکلات باشند و سعی کنند راسا موضوع را با دستگاه های ذیربط در شهرستان حل کنند. اگر ممکن نشد، فرمانداران این مسئله را به استانداری ارجاع خواهند کرد و از طریق استانداری با سازمان ذیربط تماس گرفته خواهد شد.

سخنران پنجم از بزنگان: خواستم بگویم که افت بازده در کشاورزی شیمیایی واقعا یک مسئله است. میزان برداشت محصول ما در سال های اخیر اصلا با آنچه سال های قبل برداشت می کردیم قابل مقایسه نیست.

سخنران ششم از تربت جام: این مصرف سم واقعا مسئله بغرنجی شده است. مثلا کشت خربزه اینقدر سمپاشی می خواهد که کشاورز متحمل هزینه بالا می شود و هم به این فکر می کند که فروش این محصول به مصرف کننده چه تاثیری بر او خواهد داشت.

سخنران هفتم: پس اگر این اطلاعات درست است چرا مروجان کشاورزی اینقدر بر استفاده از بذر اصلاح شده و جنبه های دیگر کشاورزی شیمیایی تاکید می کنند؟

سخنران هشتم از گوشه: این موضوع برتری بذر بومی در مورد دام و طیور هم صدق می کند. مرغ نژاد بومی خیلی بهتر از مرغ هایی است که امروزه در مرغداری ها پرور می شوند و به دست مصرف کننده می رسد. اینها همه هورمون دارد و برای سلامتی خوب نیست. مزه هم ندارد.

تسهیلگر: در خلال فرمایشات عزیزان چند نکته به ذهنم آمد که تقدیم می کنم. نیاز فزاینده به سموم دفع آفات و علف کش ها بر همه کشاورزان و صاحبانظران این حوزه مشهود است. اینکه چگونه از هزینه های و خطرات آن رها شد به همان موضوع میخ بر می گردد. میخ بذر اصلاح شده را باید از پیکر کشاورزی ایران بیرون کشید تا نیاز به کود شیمیایی و سموم تخفیف یافته و از بین برود. راه حل دیگری غیر از این نیست. به همین خاطر هم هست که من معتقدم که تشکیل بانک های بذر برای احیای بذرهای بومی، از نان شب برای کشور ما و برای تامین امنیت غذایی در کشور واجب تر است.

www.eabbassi.ir

اینکه چرا کارشناسان و مروجان کشاورزی بر جنبه های مختلف کشاورزی شیمیایی مثل بذر های اصلاح شده اصرار می ورزند، اینهم به موجب درسی است که در دانشگاه خوانده اند که غیر از این به دانشجویان نمی آموزد. این عزیزان متوجه ریشه نهادی این مسئله نیستند که این باورها بخشی از نهاد فراملیتی کشاورزی است که عامدا و از روی برنامه در متون و دروس دانشگاهی در سراسر دنیا قرار گرفته است تا کشورها را وابسته به اقتصاد پولی و تجارت جهانی کند و در این وابستگی نه تنها ثروت بلکه قدرت سیاسی را در عرصه بین المللی از آن قدرت های صنعتی دنیا کند.

نکته دیگری که از شنیدن آن خوشحال شدم میزان آگاهی شما عزیزان در مورد سم و استفاده از هورمون در پرورش مرغ صنعتی است. این واقعیتی است که امروزه در مقایسه با ۱۵ سال پیش که ما در خورده با اهالی کارهای پژوهشی می کردیم، آگاهی همگان، چه تولید کنندگان و چه جامعه مصرف کننده در مورد معایب تولید کشاورزی صنعتی (در زراعت، باغداری و

دامداری) بسیار بیش از پیش است. این خیلی نوید بخش است چون حتی در آن زمان که آگاهی عمومی در این مورد بسیار کمتر بود، وقتی محصول تخم مرغ بومی و گوشت مرغ ارگانیک خورده به ثمر رسید ما توانستیم مشتریان پرو پا قرصی در میان دانشگاهیان و جهادگران در وزارت جهاد سازندگی در تهران بیابیم. پس من حدس می زنم که در استان خراسان رضوی همین حالا بازار بسیار خوبی برای اینچنین محصولات و دیگر محصولاتی که بتوانید بدون نهاده های شیمیایی تولید کنید وجود داشته باشد و این یک امتیازی است که تولید کنندگان امروز بر تولید کنندگان در گذشته دارند.

این بازاریابی به ویژه در میان دانشگاهیان حایز اهمیت است چرا که آن دانشجویان یا استادی که مثلا خربزه بومی با آن عطر و طعم به یاد ماندنی را نوش جان می کند، مسلما اگر فکور و دقیق باشد برایش سوال پیش خواهد آمد که شاید آنچه من در دانشگاه فرا گرفته ام و درس می دهم با واقعیت مطابق نیست و باید دست به پژوهش مستقل بزنم و ببینم که کدامیک از این چیزهایی که فکر می کنم می دانم واقعا درست است. خودم بذر بومی خربزه را به طور آزمایشی بکارم و بازده اقتصادی آن را با بذر خربزه اصلاح شده که فقط با کود و سم بسیار عمل می آید مقایسه کنم و افق جدیدی در ترویج کشت خربزه در کشورم بگشایم. شاید از این راه روستاییان اهل تجربه به دانشگاهیان، خطوط پژوهشی آنان را از طریق ذائقه و حس سلامت برتر یادآور شوند.